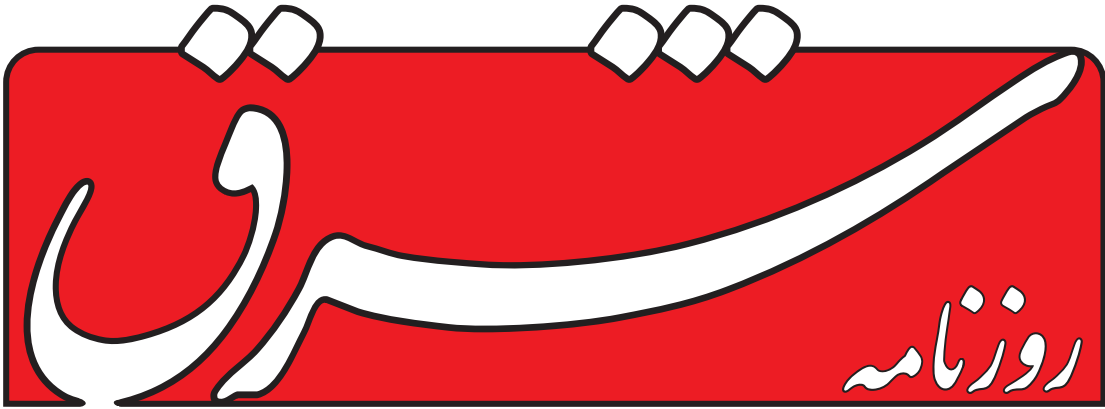


بیانیه وزارت اطلاعات درباره «علیرضا اکبری» جاسوس انگلیس

وزارت اطلاعات بیانیه‌ای تبیینی درباره ماجرای علیرضا اکبری جاسوس انگلیس منتشر کرده که است که متن آن را در ادامه می‌خوانید: در پی موفقیت سربازان گمنام امام زمان (عج) در شناسایی و دستگیری یکی از مهم‌ترین جواسیس و عناصر نفوذی رژیم انگلیس خبیث، و سپس محاکمه و اجرای حکم قانونی وی توسط دستگاه محترم قضائی کشور، شاهد واکنش عصبی و دیوانه‌وار دولت انگلیس بودیم

صفحه ۳



شنبه ۱ بهمن ۱۴۰۱ • ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۲۱ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۷۷ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان



انتقاد رئیس کمپین معلولان در گفت‌وگو با «شرق»

در خواست معلولان از مجلس بی پاسخ ماند

سمیه جاهدعطائیان: کمپین معلولان با ارسال چند نامه جداگانه خطاب به رئیس مجلس، نمایندگان، معاون قوانین مجلس همچنین سازمان برنامه و بودجه خواستار بازگشت ردیف و افزایش بودجه اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان شدند...

صفحه ۴

در «شرق» امروز می‌خوانید: بانام ثبت کشتی‌های ایران با پرچم مصلحتی خود را با فشار آمریکا متوقف کرد، واکنش ابرآروان به یک گزارش، «شرق» چرایی تداوم سیاست غیردوستانه عراق را بررسی می‌کند

سرمقاله

ناخودآگاه یک ملت



احمد غلامی

جامعه‌ای که افرادی نتوانند از طریق کلام (بیان) با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، جامعه‌ای بیمار است. هابرماس برای تبیین اهمیت نقش زبان در جامعه، از رابطه بیمار و روانکاو سخن می‌گوید. رابطه‌ای که در آن، سرانجام بیمار می‌تواند از طریق ارتباط کلامی به فرایند بهبودی نزدیک شود. فرایند بهبودی نزد بیمار، حرکت به سوی جهانی همگانی است که در آن تجربه خصوصی و سرکوب‌شده و ناشناخته‌مانده، ارتباط‌پذیر شده یا به طریق استدلالی بازپس گرفته می‌شود. به تعبیر هابرماس «هنگامی که این تجربه، تجربه‌ای مشترک شد، با مخزن بزرگ معنی‌ها و تفسیرهایی که در چارچوب گفتار و از طریق تعامل (نمادین) قابل دسترسی‌اند، ارتباط می‌یابد». از همین جاست که مجازات حبس انفرادی معنایی جدی پیدا می‌کند، چراکه حبس انفرادی در طولانی مدت به جنون می‌انجامد. پس از این تحلیل کوتاه است که هابرماس به نکته‌ای شگفت‌انگیز اشاره می‌کند: سلامت عقل هم یک دستاورد اجتماعی یا یک دستاورد ارتباطی است. اگر شخص بیمار از طریق تعامل به سمت سلامت پیش می‌رود، جامعه نیز از طریق بیان به سمت جامعه عقلانی گام برمی‌دارد. بی‌تردید تأمل و گفت‌وگو، یکی فرایند اجتماعی است. اگر بخواهیم با برداشت‌های خودمان از مفاهیم هابرماس پیش برویم، باید گفت همان‌طور که بیمار در روند بیماری خود دچار تحریف و انحراف از واقعیت شده و روانکاو، او را از طریق تحلیل و گفت‌وگوی انتقادی به وضعیت عادی برمی‌گرداند، جامعه نیز با شیوه گفت‌وگو و تأمل در گذشته خود، به واقعیت‌های تحریف‌شده که جذب درون شده‌اند، بی‌برده و مسیر احیا را در پیش می‌گیرد. اینجا باید بر این نکته تأکید کرد که خاطره جمعی ملت ما که به دلایل تاریخی و سیاسی دستکاری شده است، پیش از هر چیز دیگر نیازمند گفت‌وگوی انتقادی است. چراکه دستکاری یا تحریف واقعیت‌ها، سرمنشأ سوءتفاهمات بین‌الذاتانی است. اگر بخواهیم جامعه ایران را در بستری تاریخی واکاوی کنیم، بی‌شمار لحظاتی در آن وجود دارد که وقایع سیاسی و اجتماعی در آن تحریف شده‌اند. محاصل برداشت تحریف‌گونه از وقایع، جامعه‌ای بیمار است که برای آغاز فرایند بهبودی نیاز به گفت‌وگوی انتقادی و تأمل در گفتارها و کردارهای خود و گذشتگان خود دارد. راه میان‌بر برای این‌گونه جوامع مخاطره‌آمیز است. شاید از این منظر است که گوستاو لوبون باور دارد خطرناک‌ترین راه برای بهبود وضع جامعه‌ای بیمار، تغییرات رادیکال است: «مشاهده دقیق واقعیت‌های تاریخی، به من آموخته است که پدیدآوردن تحولات ناگهانی و ژرف در موجودات -که همچون هر سازمان دیگری پیچیدگی برخوردار است- مطلقاً از توان ما خارج است و البته طبیعت نیز گاه رادیکال است، اما نه آن‌چنان که ما می‌پنداریم. از این رو هیچ چیز برای یک ملت، مخاطره‌آمیزتر از اشیائی به دگرگونی ژرف نیست، ولو این دگرگونی‌ها از لحاظ نظری بسیار عالی باشند. دگرگونی‌هایی از این دست تنها زمانی سرسوزند خواهند افتاد که تغییرات ناگهانی نیز در روان ملت‌ها پدید آمده باشند». البته چنین تغییراتی در روان ملت‌ها، مستلزم زمان است. تغییرات ناگهانی کلاف تحریف‌های گذشته را باز نمی‌کند، بلکه این کلاف‌ها را به ناخودآگاه یک ملت پس می‌راند. هیچ چیز خطرناک‌تر از این نیست که وقایع تحریف‌شده بخش انکارناپذیر ناخودآگاه یک ملت باشد، چراکه در لحظات بحرانی که می‌بایست تصمیم درست را قاطعانه اجرا کرد، ناخودآگاه تحریف‌شده که تاکنون مجال بروز پیدا نکرده، دست به عمل می‌زند. ناخودآگاه تحریف‌شده فقط زمانی سلیطه نمی‌یابد که جامعه همواره مسیرش را از طریق گفت‌وگو و تعامل با یکدیگر بیابد. در گفت‌وگوهای عقلانی است که کردارهای گفتارهای تحریف‌شده که در ناخودآگاه جا خوش کرده‌اند، خودآگاه شده و در میدان گفت‌وگو راستی آزمایی می‌شوند. اثبات صحت این مدعا، کار دشواری نیست. کافی است به تاریخ رجوع کنیم، تاریخ گذشته‌های دور همچون دوره صفویه، دوره قاجاریه، دوره مشروطه، دوره رضاشاهی و... کمتر دوره‌ای را در تاریخ ایران می‌توان سراغ گرفت که با دستکاری تاریخی در آن مواجه نبوده باشیم. دستکاری تاریخی یعنی تحریف هویت یک ملت. هویتی که برای بازپس‌گیری آن ناگزیر باید دست به تغییرات رادیکال زد که در آن حالات ناخودآگاه اجتناب‌ناپذیر است. اگر بخواهیم به زبان هابرماس سخن بگوییم، در جامعه‌ای که کنش ارتباطی مسدود است، به‌دشواری می‌توان از جامعه‌ای زنده و پویا سخن به میان آورد که بر کنش عقلانی استوار باشد. هابرماس این برداشت نادرست از اجتماع را در جوامع غربی کنار می‌گذارد که اقتصاد و سیاست در مسائل روزمره انسانی نقش بالادستی و غالب دارد. از منظر او، جامعه ناکزیر است در برابر محدودیت‌هایی که سیاست و اقتصاد به آن تحمیل می‌کند. انعطاف نشان دهد و آنچه حیات جامعه را تضمین می‌کند کنش ارتباطی در هماهنگی با زیست‌جهان است. «زیست‌جهان»، تعبیر ابداعی هابرماس، به‌خوبی جهان موجود بشری را نشان می‌دهد؛ جهانی وابسته به سنت‌ها، فرهنگ‌ها و باورها که همواره در تنش میان اقتصاد و سیاست می‌تواند بحرانی شود. صیانت از زیست‌جهان در برابر فشارهای اقتصادی و سیاسی، یا در معنای دیگر آن، جلوگیری از فشار سیستم به زیست‌جهان، مستلزم پایبندی به کنش ارتباطی است. هابرماس، زیست‌جهان را این‌گونه می‌شناسد: «در زیست‌جهان است که ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با کنش و آگاهی ادغام می‌شوند.

یادداشت

فرصت‌ها و هزینه‌های انقلاب‌ها



مهررداد احمدی شیخانی

به‌دست آوردن هر چیزی هزینه دارد و هیچ چیزی مجاناً به دست نمی‌آید. مهم آن است هزینه‌ای که پرداخت می‌شود، بیشتر از ارزش آنچه به دست می‌آوریم نباشد. مثلاً اگر قیمت یک کیلو پنبه ۳۰۰ هزار تومان باشد، اگر ۳ میلیون تومان بابت تهیه آن بدهیم، قطعاً یک جای کارمان اشکال دارد و اشکالی اساسی هم دارد. انقلاب هم از این قاعده مستثنا نیست. وقتی جامعه‌ای انقلاب

برادر ارجمند

جناب آقای مهندس فرامرز رضانی

ضایعه‌در گذشت پدر عزیزتان را تسلیت می‌گوییم. از خداوند مهربان برای شما و بازماندگان شکیبایی در مصیبت و برای آن درگذشته آمرزش و آرامش می‌خواهیم.

سید محمود حسینی، محمد هاشم مهیمنی

محمدحسین آذر، حسین اصغرزاده، سیدرسول حسینیان

محمد خسروی، سیاوش ذوالنورین، حسین قدیرزاده

حجت میرزایی، محمدرضا کیانی، مهدی رحمانیان

برادر ارجمند

جناب آقای دکتر محمد محمدی گرگانی

با اندوه بسیار درگذشت فرزند دلبندتان را تسلیت می‌گوییم. از خداوند عزیز برای شما و بازماندگان صبر و شکیبایی بر این مصیبت و برای آن درگذشته آمرزش و آرامش خواهیم.

سید محمود حسینی، محمد هاشم مهیمنی

فرشاد مومنی، احمد میدری، میکائیل عظیمی

جواد رحیم پور، حجت میرزایی

روزهای کنکوری با قطعی بی‌ثمر اینترنت و اخباری که از زور متقلبان می‌رسید، یک سناریوی تاریخی رقم زد

همه حیران ماجرای کنکور

خبرهای تقلب در کنکور و تکذیب آنها و همچنین پرسش‌های متعدد درباره متقلبان تقریباً همه شهروندان را درگیر سناریوی کنکور کرد

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



پایان صدای شهروز ملک آرایی دوبلور باسابقه کشورمان

کاپیتان لینچ مُرد

شرق: بدون تردید سال ۱۴۰۱ را می‌توان یکی از سیاه‌ترین روزهای دوبله ایران توصیف کرد. سالی که هنر دوبله بزرگان را از دست داد. صداهایی تکرارناشدنی که جای خالی آنها هر روز بیشتر احساس می‌شود. چهارم اردیبهشت امسال بود که شهلا ناظریان، صدایشه و بازیگر باسابقه، چشم از جهان فروبست. ۲۹ تیرماه پرویز فیروزکار، دوبلور باسابقه و از دست دادیم. صدای خاطره‌انگیز او به‌جای جان کوچولو در رایین‌هود را نمی‌توان از یاد برد. ۲۷ مرداد محمود فاطمی از دیگر دوبلورهای باسابقه از میان ما رفت. مرگ منوچهر اسماعیلی در ۳۱ مرداد خبر تلخی برای دوستداران و همکارانش بود؛ دوبلور و مدیر دوبلاژی بی‌تکرار که او را بیشتر با صداها و تیپ‌کوبی‌های متنوع به خاطر می‌آوریم. او در سریال «هزاردستان» هم‌زمان به‌جای شعبان (محمدعلی کشاورز)، رضا تفتنگی (جمشید مشایخی)، هزارستان (عزت‌الله انتظامی) و جمشید لایق صحبت کرد. منوچهر اسماعیلی صدایشکی در آثار سینمایی بسیاری را هم در کارنامه حرفه‌ای خود داشت. او به‌جای آتونی کوئین در نقش حمزه در فیلم محمد رسول‌الله (ص) صحبت کرده بود. اسماعیلی همچنین دوبله بازیگران مطرحی همچون استیو مک‌کوئین، همفری بوگارت، چارلتون هستون و کرک دگلاس را در کارنامه داشت.

این گزارش را در صفحه ۱۱ بخوانید



گفت‌وگو با پیروز ارجمند درباره زندگی هنری زنده‌یاد علی اکبرپور اسطخلی

مردی که زیر سایه بزرگان گم شد

بهناز شیربانی: علی اکبر اسطخلی، موسیقی‌دان پیش‌کسوت، پس از گذراندن یک دوره بیماری، ۲۸ دی در ۸۸سالگی درگذشت. «علی اکبرپور اسطخلی» معروف به علی اکبرپور مدرک درجه‌یک هنری داشت. او تحصیلات ابتدایی خود را در شهر رشت سپری کرد. اولین استاد او در فراکبری سناز ویولن موسیو پرواند بود. از ۱۳ تا ۱۴سالگی در «رادوی بی‌سیم»، رشت به اجرای ویولن می‌پرداخت. از دیگر استادان او می‌توان به کیهان دیوان بیگی و رکن‌الدین ژئند اشاره کرد. در سال‌های جوانی یک ارکستر تشکیل داد که در رادیو رشت به اجرای موسیقی مشغول بودند و «غلامحسین بنان» در سال ۱۳۳۴ با آن ارکستر برنامه داشته است. در آن روزها با خوانندگانی همچون ناصر مسعودی، فانی، نادر گلچین و فریدون بوررضا به‌عنوان آهنگ‌ساز، رهبر ارکستر و نوازنده همکاری می‌کرد. «ابراهیم روحی فرس»، «والودی تارخانیان»، «اقدس پورتراب»، «محمود کریمی»، «حسن رادمرد»، «رحمت‌الله بدیعی»، «توماس کریستین داوید»، «مصطفی کمال پورتراب»، «حسین دهلوی»، «فرهاد فخرالدینی» و «احمد پژمان» از دیگر موسیقی‌دانانی بوده‌اند که در آموزش موسیقی به «علی اکبرپور» نقش داشته‌اند.

این گزارش را در صفحه ۱۱ بخوانید

یادداشت

منطق مدیریت



کوروش الماسی

یقیناً دلسوزان بسیاری در عرصه‌ها و سطوح گوناگون مدیریت کلان بیوسسته تلاش می‌کنند راهکارهایی برای حل‌وفصل انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی و ملی که زیست شهروندان را دشوار و بدون چشم‌انداز روشن کرده است، تدبیر کنند. اما ظاهراً به دلایل نامعلوم تلاش بی‌وقفه دلسوزان بی‌نتیجه مانده است.

سالنامه ۱۴۰۲
عصر حرکت

برای پیش خرید کتاب سررسید شرق و درج آگهی، با ما تماس بگیرید:
۰۲۴۷ - ۸۸۸۸ - ۰۱۷۳ - ۸۸۸۸۸۰۰ (۰۲۱)